

The Relationship between Parenting Styles, Self-Esteem, Resilience, and the Impostor Phenomenon in High School Students

Mohammad Bagher Kajbaf^{1,*}, Nasim Rezaei², Roya Ashoori²

¹ Professor, Department of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran

² Ph.D. Student in General Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 14 December 2024

Revised: 5 January 2026

Accepted: 9 February 2026

Available online: 9 February 2026

Article Type: Research Article

Keywords

Impostor Phenomenon; Parenting Styles; Self-Esteem; Resilience

Corresponding Author*

Mohammad Baqer Kajbaf received his Ph.D. degree in psychology from Tarbiat Modares University. He is currently a full professor of psychology at the University of Isfahan. His research interests include social cognition, self-perception, interpersonal relationships, attitudes, attribution, motivation, and spirituality. For correspondence regarding this article, please contact Dr. Kajbaf at the Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Azadi Square, Postal Code 8174673441.

ORCID: 0000-0002-9157-6026

E-mail: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir

doi: <http://dx.doi.org/10.29252/bjcp.20.1.31>

ABSTRACT

The impostor phenomenon (IP) refers to a sense of deception among individuals who underestimate their abilities and attribute their successes to external factors, leading to negative emotions, adverse motivations, and reduced well-being. The present study was conducted with the purpose of investigating the relationship between parenting styles and the mediating role of self-esteem and resilience. The present study was a descriptive correlational study. The statistical population of this research included all male and female secondary school students in the academic year of 2023-2024 in Farsan city, and 230 students were investigated using the available sampling method. In this research, Clance Impostor Phenomenon Scale (1985), Baumrind Parenting Style Inventory (1967), Rosenberg's Self-Esteem Questionnaire (1965) and Connor-Davidson's resilience scale (2003) were used. The findings showed that permissive parenting style only directly affects the impostor phenomenon; authoritative parenting style does not have a direct effect on the impostor phenomenon but indirectly affects the impostor phenomenon through the mediation of self-esteem and resilience; authoritarian parenting style affects the impostor phenomenon both directly and indirectly through the mediation of self-esteem and resilience. Therefore, self-esteem plays a mediating role in the relationship between authoritative parenting style and the impostor phenomenon and the relationship between authoritarian parenting style and the impostor phenomenon; also, resilience plays a mediating role in the relationship between authoritative parenting style and the impostor phenomenon and the relationship between authoritarian parenting style and the impostor phenomenon. It can be concluded that parenting styles have distinct effects on the impostor phenomenon; the permissive style is directly related, while the authoritative and authoritarian styles are indirectly related to impostor phenomenon through self-esteem and resilience. The results of the research highlight the importance of self-esteem and resilience as key factors in understanding the relationship between parenting styles and the impostor phenomenon. Psychologists can use these findings to prevent and control the impostor phenomenon in students.

Citation: Kajbaf, M. B., Rezaei, N., & Ashoori, R. (2025/1404). The Relationship between Parenting Styles, Self-Esteem, Resilience, and the Impostor Phenomenon in High School Students. *Contemporary Psychology*, 20(1), 31-49. <http://dx.doi.org/10.29252/bjcp.20.1.31>

رابطه سبک‌های فرزندپروری، عزت نفس، تاب‌آوری و پدیده وانمودگرایی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه

محمدباقر کجباغ^{۱*}، نسیم رضائی^۲، رویا عاشوری^۲

^۱ استاده، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
^۲ دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخچه

دریافت: ۲۴ آذر ۱۴۰۳

اصلاح نهایی: ۱۵ دی ۱۴۰۴

پذیرش: ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

انتشار آنلاین: ۲۱ بهمن ۱۴۰۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلیدواژه‌ها

پدیده وانمودگرایی؛ سبک‌های فرزندپروری؛ عزت نفس؛ تاب‌آوری

نویسنده مسئول*

محمدباقر کجباغ درجه دکتری روان‌شناسی خود را از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کرد. در حال حاضر او استاد تمام روان‌شناسی دانشگاه اصفهان است. علایق پژوهشی ایشان در زمینه شناخت اجتماعی، ادراک خود، روابط بین‌فردی، نگرش، اسناد، انگیزش و معنویت است. برای مکاتبه در مورد این مقاله با دکتر کجباغ، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، میدان آزادی، کد پستی ۸۱۷۴۶۷۳۴۴۱ تماس داشته باشید.

ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۹۱۵۷-۶۰۲۶

پست الکترونیکی: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir

چکیده

پدیده وانمودگرایی به احساس فریبکاری در میان افرادی اشاره دارد که توانایی‌های خود را دست‌کم می‌گیرند و موفقیت‌های خود را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند که این منجر به احساسات منفی، انگیزه‌های نامطلوب و کاهش بهزیستی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی دانش‌آموزان با واسطه‌گری عزت نفس و تاب‌آوری انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ شهرستان فارسان بود. از این میان، تعداد ۲۳۰ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش از پرسشنامه وانمودگرایی کلانس (۱۹۸۵)، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۶۷)، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) و پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند سبک سهل‌گیرانه تنها به‌طور مستقیم بر پدیده وانمودگرایی تأثیر دارد. سبک مقتدرانه تأثیر مستقیم بر پدیده وانمودگرایی ندارد؛ اما، به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تأثیر دارد. سبک مستبدانه هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تأثیر دارد. بنابراین، عزت نفس در رابطه سبک مقتدرانه با پدیده وانمودگرایی و رابطه سبک مستبدانه با پدیده وانمودگرایی نقش میانجی را ایفا می‌کند. همچنین، تاب‌آوری در رابطه سبک مقتدرانه با پدیده وانمودگرایی و رابطه سبک مستبدانه با پدیده وانمودگرایی نیز نقش میانجی دارد. می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های فرزندپروری تأثیرات متمایزی بر پدیده وانمودگرایی دارند؛ سبک سهل‌گیرانه به‌طور مستقیم و سبک مقتدرانه و مستبدانه به‌طور غیرمستقیم از طریق عزت نفس و تاب‌آوری با پدیده وانمودگرایی مرتبط هستند. نتایج پژوهش اهمیت عزت نفس و تاب‌آوری را به‌عنوان عوامل کلیدی در درک ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی برجسته می‌سازد. روان‌شناسان می‌توانند از این یافته‌ها جهت پیشگیری و کنترل پدیده وانمودگرایی در دانش‌آموزان استفاده کنند.

مقدمه

دانش‌آموزان، سطوح گسترده‌ای از پدیده وانمودگرایی و تأثیر طولانی‌مدت آن بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به تحصیل و برنامه‌های شغلی آن‌ها دیده می‌شود (منارد و چیتل، ۲۰۲۳). علی‌رغم علاقه فزاینده گسترده به پدیده وانمودگرایی در دهه گذشته، مطالعات کمی این پدیده را در نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند (یافی، ۲۰۲۳). اصطلاح پدیده وانمودگرایی، برای اولین بار توسط کلانس و ایمز (۱۹۷۸) بر اساس کار بالینی آن‌ها با زنان تحصیل‌کرده معرفی شد. ویژگی‌های این پدیده عبارت‌اند از: (۱) اعتقاد به این‌که علی‌رغم

نوجوانی مرحله‌ای از گذار است که با چالش‌های رشدی، زیستی، رفتاری، اجتماعی و تحصیلی مشخص می‌شود. نوجوانان در طول این دوره، تغییرات قابل‌توجهی را در عملکرد فیزیکی، شناختی و اجتماعی خود تجربه می‌کنند (فیروزه و ستار، ۲۰۱۸). در سراسر جهان، نگرانی فزاینده‌ای برای نوجوانان وجود دارد؛ زیرا، عوامل مختلفی می‌توانند تأثیر منفی بر تحولات فردی و اجتماعی نوجوانان بگذارند که می‌توانند منجر به پیامدهای منفی در آنان شوند (آرمو و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از این عوامل، پدیده وانمودگرایی IIP^۱ است. در

^۱ impostor phenomenon

آن‌ها وجود دارد که در مورد هویت خود، احساس سردرگمی کنند (کورنیاساری و هووا، ۲۰۲۴).

الگوهای ناسازگار فرزندپروری با پیامدهای عاطفی مخرب مختلف، به‌ویژه اضطراب، افسردگی و بهزیستی روانی مرتبط است. سبک‌های فرزندپروری والدین ممکن است نقش اساسی در ظهور احساسات و انمودگرایانه فرزندان داشته باشد که تا بزرگسالی ادامه می‌یابد (یافی، ۲۰۲۳). دلایل نظری قوی وجود دارد که نشان می‌دهد سبک فرزندپروری می‌تواند به‌عنوان یک پیشاینده رشد برای پدیده و انمودگرایی عمل کند. جونز و برگلاس (۱۹۷۸) فردی را توصیف می‌کنند که حس متزلزلی از خود دارد و احساس می‌کند موفقیت‌ها و پاداش‌هایش به‌طور مستقل از عملکردش به وی داده می‌شود. به‌عبارت دیگر، کودک به‌طور تصادفی پاداش دریافت می‌کند (به‌دلیل عدم ثبات والدین در فرزندپروری) و نمی‌تواند عملکرد خود را با پاداش‌ها ارتباط دهد. چنین فردی احساس می‌کند که شاید یا متظاهر است و بر این باور است که مستحق پاداش‌هایی که دریافت می‌کند، نیست، زیرا کاری برای کسب آن‌ها انجام نداده است. علاوه بر این، این افراد قادر به تفکیک احساس محبت والدین از دستاوردهای خود نیستند و هرگز از این‌که محبت والدین در صورت شکست آن‌ها همچنان ادامه خواهد داشت یا نه، مطمئن نیستند (وانت و کلیتمن، ۲۰۰۶).

همچنین، گروونیک و همکاران (۱۹۹۷) اشاره دارند که اسناد پیشرفت تحصیلی فرد تحت تاثیر سبک‌های فرزندپروری مثبت قرار دارد؛ به‌طوری‌که، والدین با هدایت اسناد موفقیت فرزندشان به منابع درونی، به رشد و شکوفایی حس خودمختاری، صلاحیت و کنترل فردی او کمک می‌کنند. بر اساس مدل آن‌ها، والدینی که از استقلال فرزند خود حمایت می‌کنند، به او این امکان را می‌دهند که حس انگیزش و عمل خود را پرورش دهد که این به نوبه خود، منجر به افزایش حس خودمختاری ادراک‌شده، درک بیشتر از صلاحیت و درک کنترل فردی بالاتر می‌شود.

سوناک و تاول (۲۰۰۱) نیز نشان داده‌اند که حمایت بیش از حد والدین و عدم مراقبت در گذشته با پدیده و انمودگرایی بالاتر مرتبط است. در مطالعه آن‌ها، عزت نفس پایین به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی پدیده و انمودگرایی ظاهر شد. جالب توجه است که عدم مراقبت والدین، به‌طور قابل‌توجهی نمرات پدیده و انمودگرایی را تنها پس از حذف عزت نفس از مدل پیش‌بینی کرد، که نشان می‌دهد سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس ممکن است تاثیر مشترکی بر پدیده و انمودگرایی داشته باشند.

شواهد عینی موفقیت، شخص واقعا باهوشی نیستند، بلکه دیگران را فریب داده‌اند؛ ۲) باور به این‌که موفقیت فرد ممکن است به‌دلیل عوامل بیرونی مانند شانس یا اشتباه در ارزیابی باشد و ۳) ترس از قضاوت و شناخته‌شدن به‌عنوان یک فریب‌کار. ویژگی‌های دیگر این پدیده نیز عبارت‌اند از ارزیابی غیرواقعی شایستگی خود، نفی بازخورد مثبت و احساس گناه در مورد موفقیت، دشواری در درونی‌کردن نقاط قوت و پذیرش تحسین، ناامیدی از دستاوردهای خود، سطوح بالای اضطراب و ترجیح موقعیت‌های سطح پایین یا بدون چالش یا برعکس (منارد و چیتل، ۲۰۲۳).

تعداد فزاینده‌ای از مطالعات نشان داده‌اند که افرادی که پدیده و انمودگرایی را تجربه می‌کنند، مستعد سلامت روان ضعیف‌تر، اعتماد به نفس پایین، افزایش اضطراب و افسردگی، منبع کنترل بیرونی و مشکلات انطباق نامطلوب مانند کاهش خودپنداره تحصیلی، پایین‌بودن رضایت شغلی، خستگی عاطفی و افزایش خطر فرسودگی هستند (یافی، ۲۰۲۱). در این راستا، پژوهشگران بسیار خواستار گنجاندن پدیده و انمودگرایی به‌عنوان یک دسته تشخیصی خاص در ویرایش بعدی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی هستند (یافی، ۲۰۲۳).

عوامل علت‌شناسی مختلفی برای پدیده و انمودگرایی مشخص شده است. یکی از این عوامل، روابط و پویایی اولیه خانواده است. پیشینه خانوادگی افراد دارای احساسات و انمودگرایانه، به‌صورت غیرحمایتی، غیربیانی، متعارض و کنترل‌کننده توصیف شده است (یافی، ۲۰۲۳). یکی از حوزه‌هایی که در پیشینه پدیده و انمودگرایی توجه مطالعاتی را به خود جلب کرده است، سبک‌های فرزندپروری است (وانت و کلیتمن، ۲۰۰۶). بنابراین، سبک فرزندپروری^۱ والدین می‌تواند نقش مهمی در ظهور پدیده و انمودگرایی در فرزندان داشته باشد (یافی، ۲۰۲۳).

سبک فرزندپروری، مجموعه‌ای از نگرش‌ها و الگوهای اقتدار والدین را در بر می‌گیرد که به‌طور قابل‌توجهی بر تربیت کودک تاثیر می‌گذارد و پس‌زمینه عاطفی را ایجاد می‌کند (مالیک، ۲۰۲۴). بامریند (۱۹۷۱) سه سبک فرزندپروری مقتدرانه^۲، مستبدانه^۳ و سهل‌گیرانه^۴ را مطرح کرد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶). والدین با سبک مقتدرانه، به‌طور متعادل خواسته‌ها و حمایت‌های قطعی از فرزند را ارائه می‌دهند. والدینی که سبک مستبدانه دارند، به‌طور معمول الگوی فرزندپروری سخت‌گیرانه و کنترل‌کننده دارند و اقدامات مختلف فرزند را به‌راحتی تایید نمی‌کنند. در سبک سهل‌گیرانه، والدین، فرزندان را راهنمایی و مطالبه نمی‌کنند و آن‌ها آزادی زیادی دارند، این امکان در فرزندان

³ authoritarian

⁴ permissive

¹ parenting style

² authoritative

علاوه بر این، افرادی که سطوح بالایی از پدیده وانمودگرایی را تجربه می‌کنند، ممکن است در توسعه و حفظ تاب‌آوری^۲ با چالش‌هایی روبرو شوند (خلیل و همکاران، ۲۰۲۴). تاب‌آوری یک ویژگی شخصیتی مثبت است و به معنای این است که فرد به‌رغم ناملایمات، توانایی بازگشت به حالت قبلی خود را داشته باشد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶). توانایی فرد در یافتن روش‌هایی برای حل مشکلات یا انجام رفتارهای مناسب و منطقی با توجه به خواسته‌های موقعیتی در هنگام مواجهه با شرایط منفی را تاب‌آوری گویند (یو و چی، ۲۰۲۰؛ به نقل از جاودان و همکاران، ۲۰۲۱). تاب‌آوری توسط عوامل درونی و بیرونی و نتیجه تعامل بین این دو عامل مشخص می‌شود. تعیین‌کننده‌های بیرونی شامل کیفیت و ماهیت محیط و همچنین، روابط درون و بیرون خانواده است. سبک فرزندپروری یکی از مهم‌ترین عوامل بیرونی تعیین‌کننده تاب‌آوری است (نسرین، ۲۰۱۸). آتویر و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که گرمای عاطفی و عوامل حمایتی خانواده در سبک فرزندپروری با تاب‌آوری روان‌شناختی همبستگی مثبت دارد و در مقابل، امتناع و کنترل هیجانی با تاب‌آوری روان‌شناختی نوجوانان همبستگی منفی دارند.

رابطه بین تاب‌آوری و پدیده وانمودگرایی را می‌توان از طریق مدل تعاملی استرس و مقابله لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) تبیین کرد. افراد تاب‌آور با استفاده از راهبردهای مقابله‌ای موثر، مانند مهارت‌های حل مسئله، حمایت اجتماعی و تفکر مثبت، بهتر می‌توانند با استرس مقابله کنند. این ویژگی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر پدیده وانمودگرایی عمل نماید. از سوی دیگر، افراد وانمودگرا ممکن است به راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار تکیه کنند که موجب تداوم احساس بی‌کفایتی آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، محیط نیز نقشی کلیدی در شکل‌دهی به تجربیات و بهزیستی روان‌شناختی آنان ایفا می‌کند. یک محیط حمایتی که تاب‌آوری را تقویت کند، می‌تواند تاثیر مثبتی بر ادراک افراد از خود داشته باشد که درک این تعاملات پیچیده ضروری است (خلیل و همکاران، ۲۰۲۴). کامارا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که تاب‌آوری و پدیده وانمودگرایی رابطه منفی معناداری دارند و سطوح بالاتر تاب‌آوری به احتمال، دانشجویان را در برابر پدیده وانمودگرایی محافظت می‌کند.

نظریه خودتعیین‌گری (SDT)^۳ که توسط دسی و ریان (۱۹۸۵) مطرح شده است، بر این فرض استوار است که انسان‌ها به‌طور ذاتی تمایل دارند در شرایط پرورش‌دهنده یا حمایتی، به‌طور فعال به جذب و یکپارچگی پرداخته و پیشرفت کنند. در مقابل، این نظریه پیشنهاد می‌کند که محرومیت از پرورش و حمایت‌های روان‌شناختی می‌تواند منجر به انفعال، دفاع‌جویی، موانع یکپارچگی و عملکرد ضعیف شود

یکی دیگر از عوامل مهم موثر بر پدیده وانمودگرایی، عزت نفس^۱ است (ناصر و همکاران، ۲۰۲۲). عزت نفس به معنای نگرش مثبت یا منفی نسبت به خود است (روزنبرگ، ۱۹۶۵؛ به نقل از پینکوارت و گرکه، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، عزت نفس به معنای ارزیابی درونی فرد از ارزشمندی خویش به‌عنوان یک شخص تعریف می‌شود (لیبری و بامیستر، ۲۰۰۰؛ به نقل از فلاح‌زاده و همکاران، ۲۰۱۸). یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر عزت نفس فرد تاثیر بگذارد، والدین فرد است. والدینی که سبک مستبدانه دارند، عمدتاً طرز فکری دارند که می‌خواهند فرزند خود را ایمن نگه دارند؛ اما، تکنیک‌های تربیتی آن‌ها به قدری سخت‌گیرانه و کنترل‌کننده است که به جای ایمن نگه داشتن کودک، در واقع عزت نفس او را از بین می‌برند (جیدون و تریپاتی، ۲۰۱۷). پینکوارت و گرکه (۲۰۱۹) نشان دادند ارتباط مثبت کوچک تا متوسطی بین سبک مقتدرانه با عزت نفس وجود دارد؛ درحالی‌که، سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با عزت نفس پایین در فرزندان مرتبط بود.

عزت نفس پایین با احساس حقارت، غمگینی، افسردگی، ناامیدی و افکار خودکشی مرتبط است. افراد با عزت نفس پایین، در برابر فشارها برای اثبات ارزش خود آسیب‌پذیر هستند. آن‌ها اعتماد به نفس پایینی دارند و ترس از شکست و موفقیت دارند؛ مشابه افراد وانمودگرا (ناصر و همکاران، ۲۰۲۲). افراد با سطوح بالای عزت نفس، دستاوردهای خود را به ویژگی‌های درونی خود مانند هوش، توانایی و شایستگی نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که، افراد وانمودگرا، دستاوردهای خود را به عوامل بیرونی مانند شانس و تصادف، جاذبه‌های بین‌فردی یا رویدادها ارتباط می‌دهند. همچنین، افراد با عزت‌نفس بالا، خود را مستحق دریافت پاداش و تشویق می‌دانند؛ درحالی‌که، افراد وانمودگرا، به دلیل ناپایداری دیدگاه‌شان نسبت به خود، غالباً احساس می‌کنند که مستحق این پاداش‌ها نیستند (کامارزین و همکاران، ۲۰۱۳).

لانگفورد و کالنس (۱۹۹۳) استدلال می‌کنند که افراد وانمودگرا از محیط کودکی امن برای ایجاد عزت نفس ایمن و پایدار محروم بوده‌اند؛ بنابراین، تلاش می‌کنند به نسخه‌ای ایده‌آل از خود تبدیل شوند تا تایید دیگران را برای حفظ عزت نفس خود کسب کنند. نیاز به عزت نفس در این افراد کاملاً بدیهی است؛ زیرا، آن‌ها به تلاش‌هایی برای کاهش دیدگاه‌های منفی نسبت به خود و بهینه‌سازی دیدگاه‌های مثبت نسبت به خود روی می‌آورند. به همین دلیل، افراد وانمودگرا سعی می‌کنند استانداردهای بالایی از موفقیت فردی را برآورده کنند (شوبرت و بوکر، ۲۰۱۹). کوکلی و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی خود نشان دادند که عزت نفس تاثیر معناداری بر پدیده وانمودگرایی دارد و عزت نفس پایین، پیش‌شرط آن است.

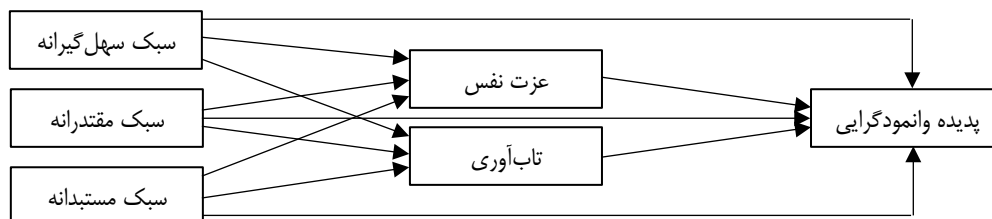
³ Self-Determination Theory

¹ self-esteem

² resilience

نیازها درک می‌شود. کمبود این نیازها می‌تواند منجر به مشکلات روان‌شناختی و آسیب‌شناسی روانی گردد.

این نیازها به‌طور بنیادین در تمام سنین، جنسیت‌ها، فرهنگ‌ها و وضعیت‌های اجتماعی-اقتصادی ضروری هستند. والدین به‌عنوان عوامل اصلی اجتماعی‌سازی در زندگی کودکان شناخته می‌شوند و تاثیر زیادی بر نیازهای روان‌شناختی آن‌ها دارند (گوای، ۲۰۲۲). این سه نیاز به‌طور متقابل بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند؛ به‌عنوان مثال، ارتباط و تعلق به یک گروه یا جامعه می‌تواند حس خودمختاری را تقویت کند و در نتیجه، فرد حس شایستگی بیشتری داشته باشد. برآورده شدن این نیازها به‌طور مستقیم با حس بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی ارتباط دارد (حجازی و همکاران، ۲۰۱۴). بررسی‌ها نشان داده‌اند که کمبود حس شایستگی (عدم احساس توانایی کافی)، نقص در حس خودمختاری (فشارهای خارجی و عدم کنترل بر تصمیم‌های شخصی) و کمبود ارتباطات موثر (احساس تنهایی، عدم احساس تعلق و عدم حمایت اجتماعی) می‌توانند موجب تقویت پدیده وانمودگرایی شوند (نویفلد و همکاران، ۲۰۲۳).



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش حاضر

پدیده وانمودگرایی با سبک‌های فرزندپروری، عزت نفس و تاب‌آوری رابطه دارد. با توجه به اهمیت نوجوانی و شیوع پدیده وانمودگرایی در این دوره، هنوز مطالعات بسیار کمی وجود دارند که نقش مداخله‌گر متغیرهای خاص روان‌شناختی با توجه به رابطه بین متغیرهای والدینی و پدیده وانمودگرایی را بررسی کرده باشند و مکانیزم اثر سه نوع سبک فرزندپروری بر پدیده وانمودگرایی، به‌خصوص از طریق متغیرهای مهمی مانند عزت نفس و تاب‌آوری مبهم است.

همچنین، مطالعات انجام‌شده در خصوص ارتباط سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی بیشتر بر تحلیل‌های جداگانه برای هر دو والد انجام شده است و ارتباط غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی از طریق واسطه‌گری عزت نفس و تاب‌آوری در نوجوانان تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی دانش‌آموزان با واسطه‌گری عزت نفس و تاب‌آوری انجام شد.

(ریان و همکاران، ۲۰۲۲). خودتعیین‌گری به‌معنای توانایی فرد برای ابراز وجود و انجام وظایف به‌طور مستقل و هدفمند است. این مفهوم شامل اراده، تمرکز و خلاقیت است و تحت تاثیر انگیزش درونی قرار دارد. خودتعیین‌گری به فرد امکان می‌دهد تا رفتارهای خودآگاهانه و مستقل را اتخاذ کند و با توجه به خودآگاهی، انتخاب‌های شخصی و مدیریتی بهینه‌تری انجام دهد. همچنین، این عامل می‌تواند منجر به خودتنظیمی، تصمیم‌گیری بهتر، افزایش خودکارآمدی و قدرت هدف‌گذاری شود (دهناد، ۲۰۲۱).

نظریه خودتعیین‌گری، سه نیاز روان‌شناختی اساسی شامل شایستگی، خودمختاری و ارتباطات را مطرح می‌کند. حمایت از این نیازهای بنیادین روان‌شناختی برای بهزیستی و رضایت از زندگی همه افراد ضروری است. این نظریه از نظریه‌های کلان درباره انگیزش، هیجان و رشد انسان است و به عواملی توجه می‌کند که فرایندهای مربوط به خودشکوفایی در انسان‌ها را بازداري یا تسهیل می‌کنند. محیط‌ها و گرایش‌های شخصیتی خاصی که بر نیازها و انواع انگیزش تاثیر می‌گذارند، از دیگر عناصر این نظریه هستند (حجازی و همکاران، ۲۰۱۴). میزان سلامت و کارایی افراد در راستای برآورده شدن این

پژوهش حاضر به بررسی مفهوم ارتباطات در سبک‌های فرزندپروری، مفهوم حس شایستگی به‌عنوان عزت نفس و مفهوم حس خودمختاری که به تاب‌آوری افراد در حل مشکلات مربوط می‌شود، پرداخته است و درصدد بررسی مکانیزم اثر این متغیرها بر پدیده وانمودگرایی است. به این ترتیب، سبک‌های فرزندپروری می‌توانند تاثیر قابل‌توجهی بر حس شایستگی و عزت نفس فرزندان داشته باشند و در نتیجه، نحوه واکنش آن‌ها به افکار وانمودگرایی را تحت تاثیر قرار دهند. همچنین، تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده که تحت تاثیر سبک فرزندپروری سالم است، می‌تواند به فرزندان کمک کند تا در مواجهه با انتظارات و چالش‌ها، به‌طور موثرتری عمل کنند و از آسیب‌های ناشی از پدیده وانمودگرایی جلوگیری نمایند. این پژوهش امیدوار است تا ارتباطات پیچیده بین این متغیرها را روشن کند و به درک بهتری از روندهای روان‌شناختی کمک نماید.

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده مانند مالیک (۲۰۲۴)، رضائی و تمنایی فر (۲۰۲۲) و خلیل و همکاران (۲۰۲۴) می‌توان گفت که

روش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ شهرستان فارسان بود. به‌منظور محاسبه حجم نمونه از روش کوهن^۱ استفاده شد (کوهن، ۱۹۸۸). در این پژوهش، شاخص اندازه اثر بر اساس نظر کوهن مقدار $0/30$ (مقداری متوسط) تعیین شد. توان آماری آزمون مقدار 90 درصد انتخاب شد. تعداد متغیرهای پنهان این پژوهش متناسب با عنوان پژوهش، برابر با شش متغیر (سبک سهل‌گیرانه، سبک مقتدرانه، سبک مستبدانه، عزت نفس، تاب‌آوری و پدیده وانمودگرایی) بود. همچنین، تعداد متغیرهای آشکار با توجه به روش پارسلینگ^۲ و مولفه‌های هر متغیر، برابر با 26 متغیر بود. سطح اطمینان نیز مقدار مرسوم $0/95$ تعیین شد. بر اساس شاخص‌های ورودی، حداقل حجم نمونه تخمینی مطابق با روش کوهن برابر با 200 نفر بود که با توجه به احتمال ریزش در نمونه‌گیری، تعداد بیشتری پرسشنامه به روش نمونه‌گیری در دسترس بین نمونه آماری توزیع شد.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تمایل و رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان، تحصیل در پایه دهم، یازدهم و دوازدهم و نداشتن سابقه جدی بیماری‌های جسمانی و روان‌شناختی بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل عدم رضایت شرکت‌کنندگان، ابتلای جدی به بیماری‌های جسمانی و روان‌شناختی و پاسخ اشتباه به سوال امنیتی پرسشنامه بود. در نهایت، تعداد 230 پرسشنامه تکمیل شده و مناسب تحلیل گردآوری شد. یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که شرکت‌کنندگان از نظر جنسیت، 153 نفر ($66/5\%$) دختر و 77 نفر ($33/5\%$) پسر بودند. از نظر پایه تحصیلی نیز، 87 نفر ($37/8\%$) دهم، 94 نفر ($40/9\%$) یازدهم و 49 نفر ($21/3\%$) دوازدهم بودند. همچنین، میانگین سن شرکت‌کنندگان $16/89$ سال با انحراف استاندارد $0/52$ بود که دامنه سنی $15-19$ سال بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه وانمودگرایی کلانس (CIPS): این مقیاس توسط کلانس (۱۹۸۵) طراحی شد و برای اندازه‌گیری پدیده وانمودگرایی استفاده می‌شود. این آزمون شامل 20 گویه، به‌صورت خودگزارش‌دهی و بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای است (حقیقی و قریبلی، ۲۰۲۲). نمرات از 20 تا 100 متغیر است و نمره کل 62 به‌عنوان یک مقدار برش برای تشخیص افراد وانمودگرا استفاده می‌شود. مجموع امتیاز

این مقیاس نیز به چهار زیرگروه تقسیم می‌شود که منعکس‌کننده درجه پدیده وانمودگرایی در فرد است. بدین ترتیب، امتیاز $20-40 =$ کم، $41-60 =$ متوسط، $61-80 =$ مکرر و $81-100 =$ شدید در پدیده وانمودگرایی است (کریستوفرسون و همکاران، ۲۰۲۴). اگرچه نتایج تحلیل عاملی‌های قبلی نشان داد که مقیاس وانمودگرایی از سه عامل شامل فریب، شانس و تخفیف تشکیل شده است؛ اما، پژوهشگران دیگر دریافته‌اند که عوامل فریب و تخفیف در یکدیگر ترکیب می‌شوند. بر این اساس، فرنچ و همکاران (۲۰۰۸) توصیه کردند که به‌دلیل یافته‌های مطالعاتی متناقض، از نمره کل پدیده وانمودگرایی به‌جای نمرات خرده‌مقیاس استفاده شود (به نقل از ناپلز و همکاران، ۲۰۲۴). در همین راستا، در این پژوهش از نمره کل استفاده شد. هولمز و همکاران (۱۹۹۳) ضریب آلفای کرونباخ این ابزار را $0/96$ محاسبه کردند. در ایران، مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۲۰۰۵) مقدار پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ $0/83$ ، به روش اسپیرمن-براون $0/73$ و به روش گاتمن $0/73$ محاسبه نمودند که از نظر روان‌سنجی مطلوب هستند. همچنین آن‌ها، مقیاس مورد نظر را با استفاده از روش‌های اعتبارسنجی ملاکی و سازه ارزیابی کردند. برای اعتبارسنجی ملاکی، از پرسشنامه تیپ شخصیتی A و پرسشنامه اجتناب و پریشانی اجتماعی استفاده شد. ضریب همبستگی بین مقیاس وانمودگرایی و پرسشنامه تیپ شخصیتی A برابر با $0/41$ و پرسشنامه اجتناب و پریشانی اجتماعی $0/38$ - معنادار با سطح $P < 0/001$ بود. برای اعتبارسنجی سازه، تحلیل عامل با روش مولفه‌های اصلی انجام شد که دو عامل استخراج شد. نتایج نشان داد که عامل اول، تخفیف رفتارهای فردی و عامل دوم، ترس از وانمودگرایی را توجیه می‌کند. آزمون‌های کفایت اندازه نمونه KMO^۴ در سطح مطلوب ($0/76$) و کروییت بارتلت^۵ در سطح $P = 0/001$ معنادار بودند و دو عامل به‌ترتیب، $99/19$ درصد و $12/18$ درصد از واریانس پدیده وانمودگرایی را توضیح دادند. در این پژوهش نیز، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با $0/90$ به دست آمد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (PSI): این

پرسشنامه اولین بار توسط بورای (۱۹۹۱) بر اساس طبقه‌بندی بامریند (۱۹۷۱) در سه سبک سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه تدوین شد. این ابزار در نسخه اولیه شامل 48 گویه بود و پس از ارزیابی‌های روان‌سنجی، به 30 گویه کاهش یافت که هر سبک با 10 گویه سنجیده می‌شود (ابوطالبی احمدی، ۲۰۱۲). شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای انجام می‌شود که با جمع نمرات سوالات مربوط به هر سبک، نمره مدنظر به دست می‌آید (شعبانی و

⁴ Kaiser-Meyer-Olkin

⁵ Bartlett's Test of Sphericity

⁶ Baumrind Parenting Style Inventory

¹ Cohen

² parceling

³ The Clance Impostor Phenomenon Scale

شاخص‌های برآزش مانند RMSEA و CFI، مدل دو عاملی را تایید کرد. بنابراین، ساختار دو عاملی مقیاس در نمونه ایرانی معتبر است. در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌های عاملی اکتشافی و تاییدی نشان می‌دهند که مقیاس از روایی سازه خوبی برخوردار است. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰/۸۶ محاسبه شد.

پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (CD-RISC):^۲ این مقیاس توسط کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) ساخته شد که شامل ۲۵ مورد است و به پنج بعد اعتماد به‌غریز، تصور از شایستگی فردی، پذیرش مثبت تغییر، کنترل و تاثیرات معنوی تقسیم می‌شود (شجاعی مهر و همکاران، ۲۰۲۰). این ابزار بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (نسرین، ۲۰۱۸). کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) بیان کردند که این ابزار ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی دارد و بین آن‌هایی که انعطاف‌پذیری بیشتر و کمتری دارند، تمایز قائل می‌شود. در ایران، ظریفی و همکاران (۲۰۱۶) به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از روش لوپ استفاده کردند. نتایج نشان داد که ضریب پایایی این پرسشنامه برابر با ۰/۷۷۴ و در سطح قابل‌قبول است. آن‌ها به‌منظور بررسی روایی، در کنار اجرای پرسشنامه تاب‌آوری، پرسشنامه پنج عامل شخصیت را اجرا کردند و بر اساس نتایج، ضریب همبستگی بین تاب‌آوری و روان‌رنجورخوبی برابر با ۰/۷- بود که این نتیجه نشان‌دهنده روایی واگرایی پرسشنامه است. همچنین، بین بعد باز بودن به تجربه‌ها و تاب‌آوری رابطه مثبت ۰/۱۸، بین بعد برونگرایی و تاب‌آوری رابطه مثبت ۰/۲۵، بین بعد وظیفه‌شناس بودن و تاب‌آوری رابطه مثبت ۰/۲۹ و بین بعد توافق و تاب‌آوری رابطه مثبت ۰/۲۸ برقرار بود که نشان‌دهنده روایی همگرایی قابل‌قبول پرسشنامه تاب‌آوری است. گودرزی و همکاران (۲۰۲۳) روایی این پرسشنامه را بر اساس نظر سه نفر از اساتید، پیش از اجرا به روش محتوایی مورد تایید قرار دادند و پایایی به همسانی درونی ۰/۸۲ آلفای کرونباخ محاسبه و تایید شد. المناسف و همکاران (۲۰۲۴) مقدار KMO را برابر با ۰/۹۳ با آزمون کروییت بارتلت ($P < ۰/۰۵$) محاسبه نمودند. پنج عامل جداسازی شدند که ۵۱/۵ درصد واریانس کل مدل تجمعی را به خود اختصاص دادند. همچنین، آن‌ها آلفای کرونباخ عوامل اعتماد به‌غریز، تصور از شایستگی فردی، پذیرش مثبت تغییر، کنترل و تاثیرات معنوی را به‌ترتیب برابر با ۰/۶۶۷، ۰/۸۵۸، ۰/۶۷۲، ۰/۶۷۶ و ۰/۴۰۵ گزارش کردند. در این پژوهش نیز، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر با ۰/۸۳ به دست آمد.

در جدول ۱ به بررسی شاخص‌های روایی و پایایی پرسشنامه‌های پژوهش پرداخته شده است. لازم به ذکر است که بار عاملی تمامی سوالات بالاتر از مقدار حداقل ۰/۳۰ بود و بیانگر این

باقری، ۲۰۲۴). اسفندیاری (۱۹۹۵) با استفاده از نظر صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی صوری مطلوبی است. وی پایایی به روش آلفای کرونباخ را نیز برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه به‌ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ محاسبه کرد (به نقل از رضائی و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، مینائی و نیک‌زاد (۲۰۱۷) پایایی خرده‌مقیاس‌ها را با استفاده از ضریب گاتمن در سبک‌های سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه به‌ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ گزارش کردند. آن‌ها بیان نمودند هر یک از خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه، از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار هستند. مقدار شاخص KMO را برابر با ۰/۷۵ و آزمون کروییت بارتلت را معنادار ($P < ۰/۰۱$) گزارش دادند. در ادامه، سه عامل اصلی از تحلیل اکتشافی استخراج نمودند که در مجموع، ۳۰/۴۷ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کردند. به‌علاوه، به استثنای ماده‌های ۸، ۱۳، ۱۸ و ۲۴، مابقی ماده‌ها عوامل از پیش تعیین شده پرسشنامه را می‌سنجند و سوالات از روایی مطلوبی برخوردار هستند. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ سبک‌های سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه به‌ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۹۱ و ۰/۸۵ محاسبه شد.

پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (RSE):^۱ روزنبرگ (۱۹۶۵) این ابزار را برای اندازه‌گیری احساس ارزش خود در سطح جهانی ایجاد کرد (نادکارنی و ویاس، ۲۰۲۳). این مقیاس یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری عزت نفس بوده و عزت نفس کلی و ارزش شخصی را در نظر می‌گیرد. این پرسشنامه شامل ۱۰ عبارت کلی است و بر اساس طیف لیکرت چهار درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۱۰ تا ۴۰ است و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده عزت نفس بالاتر است (واحدی و همکاران، ۲۰۲۳). روزنبرگ (۱۹۶۵) در بررسی خود، ضریب تکرارپذیری در مقیاس گاتمن را ۰/۹۲ نشان داد که نشان‌دهنده همسانی درونی عالی است. همچنین، پایایی بازآزمایی در یک دوره دو هفته‌ای، همبستگی‌های ۰/۸۵ و ۰/۸۸ را نشان داد که بیانگر ثبات عالی است. در ایران، محمدی (۲۰۰۵) پایایی این پرسشنامه را از طریق سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دو نیمه کردن مورد تحلیل قرار داد و ضرایب به‌ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ را به دست آورد و روایی و پایایی نسخه فارسی این مقیاس را مناسب دانست. جوشن‌لو و قائدی (۲۰۰۸) روایی سازه مقیاس را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و روش مولفه‌های اصلی بررسی کردند و بر اساس نتایج، دو عامل عدم تحقیر خود و دوست‌داری خود استخراج شد. آزمون‌های KMO و کروییت بارتلت مناسب بودند و تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که این دو عامل، ۵۳/۲۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. همچنین، تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از

² Connor-Davidson's Resilience Scale

¹ Rosenberg's Self-Esteem Scale

وانمودگرایی تا حداکثر ۰/۵۱ برای متغیر عزت نفس به دست آمد که مقادیر متوسطی بود. سپس، با توجه به تایید سایر شاخص‌های روایی و پایایی، روایی واگرا نیز با کمی اغماض مورد تایید قرار گرفت. روایی واگرا به روش‌های شاخص بار عرضی و شاخص فورنل و لارکر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به‌دست‌آمده، تاییدکننده روایی پرسشنامه‌ها بود.

بود که تمامی سوالات در مدل باقی ماندند و روایی سوالات پرسشنامه‌ها قابل قبول بود. بر اساس نتایج جدول ۱، مقادیر پایایی نیز بیشتر از ۰/۷۰ بود. پایایی آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی Rho برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۷۰ بود و نشان داد پرسشنامه‌های استفاده‌شده در پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار بودند. شاخص میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) که روایی همگرا را می‌سنجد از حداقل ۰/۲۸ برای متغیرهای سبک سه‌گانه و پدیده

جدول ۱. بررسی روایی و پایایی پرسشنامه‌های پژوهش با نرم‌افزار Smart PLS

متغیرها	پایایی (>۰/۷۰)			روایی واگرا	
	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	Rho پایایی	شاخص بار عرضی	شاخص فورنل و لارکر
سبک سه‌گانه	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۸۳	روایی مناسب	روایی مناسب
سبک مقتدرانه	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۲	روایی مناسب	روایی مناسب
سبک مستبدانه	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۸۵	روایی مناسب	روایی مناسب
عزت نفس	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۸۸	روایی مناسب	روایی مناسب
تاب‌آوری	۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۸۴	روایی مناسب	روایی مناسب
پدیده وانمودگرایی	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۸۹	روایی مناسب	روایی مناسب

شیوه اجرا

جمع‌آوری شده تنها برای اهداف پژوهش و به‌صورت محرمانه استفاده خواهند شد و آموزش نحوه پاسخ‌دهی سوالات به دانش‌آموزان، پرسشنامه‌ها را در اختیار آنان قرار داده و برای پاسخ به سوالات احتمالی دانش‌آموزان در دسترس بودند. همچنین، از دانش‌آموزان خواسته شد که پرسشنامه اول (شیوه‌های فرزندپروری) توسط مادر و سایر پرسشنامه‌ها توسط خودشان تکمیل شود. زمان گردآوری پرسشنامه‌ها حدود یک ماه به طول انجامید که در نهایت، تعداد ۲۳۰ پرسشنامه به‌طور کامل پاسخ داده شد و وارد تحلیل شد.

شیوه تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، پیش از انجام تحلیل نهایی، به‌غیربگری داده‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب، داده‌های پرت تک‌متغیره با نمودار جعبه‌ای و داده‌های پرت چندمتغیره با فاصله ماهالانوبیس^۱ شناسایی و اصلاح شدند. با توجه به تایید مفروضه‌های آماری (نرمال بودن تک‌متغیره و چندمتغیره، عدم وجود داده‌های پرت تک‌متغیره و عدم وجود هم‌خطی چندگانه)، رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به روش کوواریانس محور و به روش برآورد حداکثر درست‌نمایی آزمون شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS-28 و AMOS-24 انجام شد.

پرسشنامه‌ها به‌صورت آنلاین و به‌ترتیب ساده به پیچیده و بر اساس روابط مفهومی بین متغیرها طراحی شدند. بر این اساس، پرسشنامه‌ها به‌ترتیب پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ، پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون و پرسشنامه وانمودگرایی کلانس قرار داده شدند. پس از تعیین حجم نمونه، جهت جمع‌آوری داده‌ها، با توجه به هماهنگی‌های انجام‌شده در سه مدرسه متوسطه دوم در دسترس شهرستان فارس، پرسشنامه‌ها به‌صورت آنلاین در گروه‌های کلاسی دانش‌آموزان در نرم‌افزار شاد توزیع شدند. به‌دلیل آنلاین بودن پرسشنامه‌ها، پاسخگویی به سوالات محدودیت زمانی نداشت. مجریان پژوهش که سه همکار روان‌شناس در مدارس بودند، پیش از اجرای پرسشنامه‌ها، تحت آموزش‌های کامل و دقیق قرار گرفتند.

این آموزش‌ها شامل آشنایی با اهداف و فرآیند پژوهش، آموزش در خصوص مقیاس‌ها و ابزارهای سنجش، آموزش نحوه توضیح مفاهیم به دانش‌آموزان، آموزش رعایت اصول اخلاقی پژوهش (مانند رازداری، موافقت آگاهانه، حفظ حریم خصوصی و تضمین ناشناس بودن پاسخ‌ها) و آموزش نحوه برخورد با مشکلات و سوالات احتمالی بود. مجریان با کسب رضایت از دانش‌آموزان، آگاه‌سازی آنان از رعایت اصل رازداری، اطمینان‌بخشی جهت حفظ حریم خصوصی و عدم تاثیر سوالات بر سلامت روان آنان، تاکید بر این‌که اطلاعات

¹ mahalanobis distance

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین نشانگرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶		
۱. مولفه اول	۱																											
سبک سهل‌گیرانه	۰/۷۸	۱																										
۲. مولفه دوم	۰/۷۹	۰/۵۷	۱																									
۳. مولفه سوم	۰/۸۱	۰/۶۸	۰/۸۶	۱																								
۴. مولفه چهارم	۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۲۷	۰/۱۴	۱																							
۵. مولفه اول	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۲۶	۰/۱۰	۰/۱۰	۱																						
سبک مقتدرانه	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۶۵	۱																					
۷. مولفه سوم	۰/۰۸	۰/۳۱	۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۶۱	۰/۷۲	۰/۷۷	۱																				
۸. مولفه چهارم	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۴۱	۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۳۶	۱																			
۹. مولفه اول	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۳۸	۰/۱۸	۰/۳۳	۰/۴۱	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۷۵	۱																		
سبک مستبدانه	۰/۴۲	۰/۴۶	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۲۸	۰/۱۹	۰/۶۵	۰/۶۹	۱																	
۱۱. مولفه سوم	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۴۸	۰/۶۲	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۳۵	۰/۲۹	۱																
۱۲. مولفه اول	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۴۶	۰/۴۸	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۴۳	۰/۴۶	۰/۵۶	۱															
۱۳. مولفه دوم	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۵۲	۰/۶۲	۰/۳۵	۰/۴۶	۰/۴۱	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۶۴	۰/۷۰	۱														
عزت نفس	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۵۶	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۵۱	۰/۴۷	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۶۳	۰/۷۵	۰/۷۵	۱													
۱۴. مولفه سوم	۰/۲۵	۰/۳۷	۰/۲۳	۰/۳۱	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۴۱	۰/۲۶	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۲۰	۰/۱۶	۱												
۱۶. شایستگی	۰/۲۹	۰/۴۱	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۲۸	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۶۹	۱											
۱۷. اعتماد به غرایز	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۴۵	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۷۳	۰/۶۸	۱										
تاب‌آوری	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۴۵	۰/۳۳	۰/۴۰	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۷۳	۰/۶۸	۰/۵۴	۱									
۱۸. پذیرش تغییر	۰/۳۷	۰/۳۰	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۲۴	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۳۸	۰/۳۰	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۸۲	۰/۷۰	۰/۵۴	۰/۳۷	۱								
۱۹. کنترل	۰/۱۸	۰/۴۶	۰/۵۲	۰/۱۲	۰/۳۰	۰/۳۷	۰/۲۴	۰/۳۵	۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۶۷	۰/۶۳	۰/۵۶	۰/۶۲	۱							
۲۰. تاثیرات معنوی	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۳۹	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۱۸	۰/۴۶	۰/۵۲	۰/۲۰	۰/۴۲	۰/۲۹	۰/۴۵	۰/۵۳	۰/۲۴	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۴۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۱						
۲۱. مولفه اول	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۳۷	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۴۵	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۳۷	۱					
۲۲. مولفه دوم	۰/۱۵	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۴۳	۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۴۳	۰/۵۶	۰/۵۰	۰/۲۴	۰/۵۳	۰/۳۳	۰/۴۵	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۴۶	۰/۷۲	۰/۵۴	۱				
پدیده و انمودگرایی	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۶۰	۰/۴۷	۰/۶۳	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۸۴	۱			
۲۴. مولفه چهارم	۰/۳۵	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۱۴	۰/۵۳	۰/۴۱	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۳۶	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۵۴	۰/۴۱	۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۷۱	۰/۶۳	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۱		
۲۵. مولفه پنجم	۰/۳۸	۰/۳۱	۰/۱۵	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۳۸	۰/۵۹	۰/۳۲	۰/۳۹	۰/۵۲	۰/۴۶	۰/۳۹	۰/۲۶	۰/۱۵	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۷۱	۰/۶۳	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۴		
۲۶. مولفه ششم	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۳۸	۰/۵۹	۰/۳۲	۰/۳۹	۰/۵۲	۰/۴۶	۰/۳۹	۰/۲۶	۰/۱۵	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۷۱	۰/۶۳	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۴		

نتایج

برای سبک مستبدانه به ترتیب برابر با ۱۶/۷۲ و ۵/۴۸، برای عزت نفس به ترتیب برابر با ۴/۲۴ و ۱/۸۷، برای تاب‌آوری به ترتیب برابر با ۷۱/۱۲ و ۱۹/۳۰ و برای پدیده وانمودگرایی به ترتیب برابر با ۴۹/۵۳ و ۹/۷۵ بود. مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه با عامل تورم واریانس ارزیابی شد که آماره به‌دست‌آمده برای سبک سهل‌گیرانه، سبک مقتدرانه، سبک مستبدانه، عزت نفس و تاب‌آوری به ترتیب برابر با ۱/۵۸، ۱/۴۲، ۱/۸۷، ۲/۱۶ و ۱/۹۲ بود که کمتر از معیار ۵ بود و نشان از عدم وجود هم‌خطی چندگانه داشت.

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه ارائه شده است. نرمال بودن تک‌متغیره با شاخص‌های کجی و کشیدگی بررسی شد و چون مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پنهان و آشکار در دامنه +۲ تا -۲ قرار داشت، مفروضه نرمال بودن تک‌متغیره تایید شد. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پنهان برای سبک سهل‌گیرانه به ترتیب برابر با ۲۵/۳۸ و ۶/۳۹، برای سبک مقتدرانه به ترتیب برابر با ۲۱/۳۶ و ۵/۹۰، برای سبک مستبدانه به ترتیب برابر با ۱۶/۷۲ و ۵/۴۸، برای عزت نفس به ترتیب برابر با ۴/۲۴ و ۱/۸۷، برای تاب‌آوری به ترتیب برابر با ۷۱/۱۲ و ۱۹/۳۰، و برای پدیده وانمودگرایی به ترتیب برابر با ۴۹/۵۳ و ۹/۷۵.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	عامل تورم واریانس
سبک سهل‌گیرانه	۲۵/۳۸	۶/۳۹	-۰/۶۵	۰/۶۲	۱/۵۸
سبک مقتدرانه	۲۱/۳۶	۵/۹۰	-۰/۳۵	۱/۱۶	۱/۴۲
سبک مستبدانه	۱۶/۷۲	۵/۴۸	۰/۵۷	-۰/۳۱	۱/۸۷
عزت نفس	۴/۲۴	۱/۸۷	۱/۲۷	-۰/۲۱	۲/۱۶
تاب‌آوری	۷۱/۱۲	۱۹/۳۰	۰/۱۸	۰/۸۵	۱/۹۲
پدیده وانمودگرایی	۴۹/۵۳	۹/۷۵	۱/۲۶	-۰/۶۱	

شده است. تمامی ضرایب همبستگی ۰/۱۲ و بالاتر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. با توجه به تعداد زیاد پارسل‌ها در جدول ۳، جهت وضوح و خوانایی بیشتر، ضرایب همبستگی خلاصه نیز در جدول ۴ ارائه شده است.

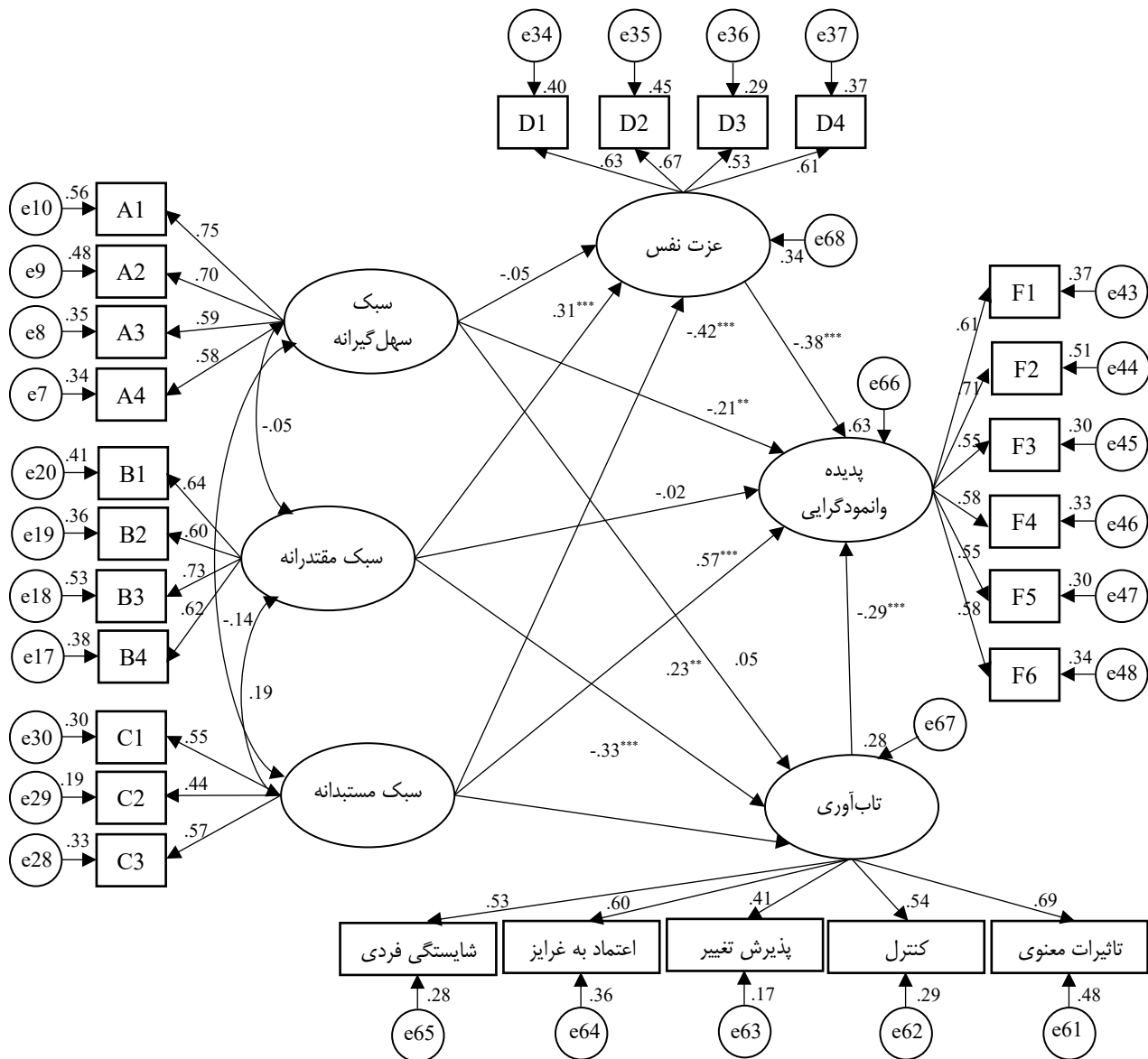
با توجه به متعدد بودن سوالات، از روش پارسلینگ برای کاهش تعداد متغیرهای آشکار و کاهش خطای اندازه‌گیری استفاده شد. در جدول ۳ نتایج همبستگی بین متغیرهای آشکار با آزمون همبستگی پیرسون بررسی شده است. تعداد ۲۶ متغیر آشکار در جدول گزارش

جدول ۴. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی

متغیرها	سبک سهل‌گیرانه	سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	عزت نفس	تاب‌آوری	پدیده وانمودگرایی
سبک سهل‌گیرانه	۱					
سبک مقتدرانه	۰/۰۸	۱				
سبک مستبدانه	-۰/۲۱**	۰/۲۴**	۱			
عزت نفس	-۰/۰۴	۰/۵۳**	-۰/۴۸**	۱		
تاب‌آوری	۰/۲۲**	۰/۲۷**	-۰/۴۱**	۰/۱۵*	۱	
پدیده وانمودگرایی	-۰/۲۳**	-۰/۱۶*	۰/۵۶**	-۰/۴۷**	-۰/۳۶**	۱

فرزندپروری با تاب‌آوری رابطه داشتند که جهت رابطه سبک مستبدانه با تاب‌آوری، منفی بود و جهت رابطه دو سبک سهل‌گیرانه و مقتدرانه با تاب‌آوری، مثبت بود ($p < ۰/۰۵$). همچنین، دو سبک مقتدرانه و مستبدانه با عزت نفس رابطه داشتند که جهت رابطه سبک مستبدانه با عزت نفس، منفی بود و جهت رابطه سبک مقتدرانه با عزت نفس، مثبت بود ($p < ۰/۰۵$). مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری آزمون شد. شکل ۲ مدل تجربی در حالت ضرایب استاندارد است و سطح معناداری با علامت ستاره مشخص شده است.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد رابطه معناداری بین تمامی متغیرهای پیش‌بین شامل سبک‌های فرزندپروری، عزت نفس و تاب‌آوری با متغیر وابسته پدیده وانمودگرایی وجود داشت ($p < ۰/۰۵$). جهت رابطه سبک مستبدانه با پدیده وانمودگرایی، مثبت بود و جهت رابطه سایر متغیرهای پیش‌بین شامل سبک سهل‌گیرانه، سبک مقتدرانه، عزت نفس و تاب‌آوری با پدیده وانمودگرایی، منفی بود. قوی‌ترین همبستگی با متغیر وابسته پدیده وانمودگرایی را به ترتیب سبک مستبدانه با ضریب ۰/۵۶، عزت نفس با ضریب -۰/۴۷ و تاب‌آوری با ضریب -۰/۳۶ داشتند. مطابق یافته‌ها، هر سه سبک



شکل ۲. مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد ($p < .05$ و $p < .01$ و $p < .001$)

نفس تایید شد. همچنین، تأثیر دو سبک مقتدرانه و مستبدانه بر متغیر میانجی تاب‌آوری نیز تایید شد. قوی‌ترین تأثیر بر عزت نفس را سبک مستبدانه با ضریب استاندارد $-0/42$ داشت. قوی‌ترین تأثیر بر تاب‌آوری را نیز سبک مستبدانه با ضریب استاندارد $-0/33$ داشت. شدت ارتباط بین متغیرهای آشکار با سازه‌های پنهان، بیشتر از مقدار حداقل $0/40$ بود و نشان از روایی مناسب سوالات پرسشنامه یا مولفه‌ها داشت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۵ ارائه شده است.

مطابق با شکل ۲، تأثیر چهار متغیر سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه، عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تایید شد ($p < .05$). اما، سبک مقتدرانه تأثیر مستقیم معناداری بر پدیده وانمودگرایی نداشت ($p > .05$). قوی‌ترین اثر مستقیم بر پدیده وانمودگرایی به‌ترتیب مربوط به سبک مستبدانه با ضریب استاندارد $-0/38$ و پس از آن، عزت نفس با ضریب استاندارد $-0/38$ بود. مطابق یافته‌ها، تأثیر دو سبک مقتدرانه و مستبدانه بر متغیر میانجی عزت

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	R ²	PGFI	IFI	NFI	CFI	GFI	RMSEA	Chi square/df
معیار*	$>0/33$	$>0/70$	$>0/90$	$>0/90$	$>0/90$	$>0/90$	$<0/08$	در بازه ۱ تا ۵
نتیجه	$0/63$	$0/79$	$0/92$	$0/92$	$0/90$	$0/93$	$0/068$	$2/82$

* منبع: پاشاشریفی و همکاران (۲۰۱۲)

تطابق داشتند. ضریب تعیین متغیر وابسته پدیده وانمودگرایی برابر با ۰/۶۳ بود که مقدار بالا و قابل توجهی بود و نشان داد سبک‌های فرزندپروری، عزت نفس و تاب‌آوری توانستند ۶۳ درصد از واریانس پدیده وانمودگرایی را تبیین کنند. در جدول ۶ نتایج تاثیر متغیرها بر پدیده وانمودگرایی ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج بررسی تاثیر متغیرهای پیش‌بین بر پدیده وانمودگرایی بر اساس روش مدل‌سازی معادلات ساختاری

نوع تاثیر	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	p	t
سبک سهل‌گیرانه ← پدیده وانمودگرایی	-۰/۲۱	-۰/۳۹	۰/۱۲۸	۰/۰۰۳	۳/۰۴
سبک مقتدرانه ← پدیده وانمودگرایی	-۰/۰۲	-۰/۱۲	۰/۰۹۴	۰/۲۰۲	۱/۲۸
سبک مستبدانه ← پدیده وانمودگرایی	۰/۵۷	۰/۶۲	۰/۰۸۹	<۰/۰۰۱	۶/۹۷
عزت نفس ← پدیده وانمودگرایی	-۰/۳۸	-۱/۵۶	۰/۳۲۵	<۰/۰۰۱	۴/۸۰
تاب‌آوری ← پدیده وانمودگرایی	-۰/۲۹	-۰/۱۴	۰/۰۳۶	<۰/۰۰۱	۳/۸۹

با کاهش میزان پدیده وانمودگرایی همراه بود. ضریب استاندارد نشان داد سبک مستبدانه با ضریب ۰/۵۷ و پس از آن، عزت نفس با ضریب -۰/۳۸ دارای قوی‌ترین تاثیر بر پدیده وانمودگرایی بودند. شدت تاثیر سبک مستبدانه بر پدیده وانمودگرایی مقدار قوی، شدت تاثیر عزت نفس بر پدیده وانمودگرایی مقدار متوسط و شدت تاثیر سبک سهل‌گیرانه و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی مقدار کم بود. در ادامه، آزمون نقش میانجی‌گری به روش بوت استرپینگ تحلیل شد که یافته‌ها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. آزمون میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری در سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی به روش بوت استرپینگ

نوع تاثیر	p	اثر غیرمستقیم	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا
سبک سهل‌گیرانه ← عزت نفس ← پدیده وانمودگرایی	۰/۳۴۸	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۴	-۰/۰۶۹	۰/۰۲۴
سبک مقتدرانه ← عزت نفس ← پدیده وانمودگرایی	<۰/۰۰۱	-۰/۱۱۸	۰/۰۳۲	-۰/۱۸۱	-۰/۰۵۵
سبک مستبدانه ← عزت نفس ← پدیده وانمودگرایی	<۰/۰۰۱	۰/۱۶۱	۰/۰۳۵	۰/۰۹۲	۰/۲۲۹
سبک سهل‌گیرانه ← تاب‌آوری ← پدیده وانمودگرایی	۰/۴۰۷	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۵۳	۰/۰۲۱
سبک مقتدرانه ← تاب‌آوری ← پدیده وانمودگرایی	۰/۰۲۲	-۰/۰۶۷	۰/۰۲۹	-۰/۱۲۴	-۰/۰۱۰
سبک مستبدانه ← تاب‌آوری ← پدیده وانمودگرایی	<۰/۰۰۱	۰/۰۹۷	۰/۰۲۸	۰/۰۴۲	۰/۱۵۱

با ضریب -۰/۱۱۸ بود. بررسی اثر کل (مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم) سبک‌های فرزندپروری نشان داد که اثر کل سبک سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه بر پدیده وانمودگرایی به ترتیب برابر با ۰/۲۴۹، -۰/۲۰۷ و ۰/۸۲۶ بود و بیانگر این بود که سبک مستبدانه با اثر کل ۰/۸۲۶، دارای قوی‌ترین تاثیر بر متغیر وابسته پدیده وانمودگرایی بود. در مجموع، یافته‌ها نشان داد که سبک سهل‌گیرانه تنها به‌طور مستقیم بر پدیده وانمودگرایی تاثیر داشت. سبک مقتدرانه تاثیر مستقیم بر پدیده وانمودگرایی نداشت؛ اما، به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تاثیر داشت.

در مجموع، با ارزیابی تمامی شاخص‌های برازش در جدول ۵ می‌توان استنباط کرد در مدل تجربی، تمامی شاخص‌های برازش مقدار قابل قبول یا مطلوبی دارند. هیچ‌کدام از شاخص‌های برازش مقدار ضعیفی ندارند و تمامی شاخص‌های برازش در محدوده مناسبی قرار دارند که نشان داد کلیت مدل تایید شد و داده‌ها با مدل مفهومی

مطابق با جدول ۶، تاثیر مستقیم سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه و همچنین، دو متغیر میانجی عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تایید شد ($p < 0.05$). اما، تاثیر سبک مقتدرانه بر پدیده وانمودگرایی تایید نشد ($p > 0.05$). جهت تاثیر سبک مستبدانه بر پدیده وانمودگرایی، مثبت بود و جهت تاثیر سبک سهل‌گیرانه، عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی، منفی بود. جهت رابطه‌ها نشان داد افزایش سبک مستبدانه با افزایش میزان پدیده وانمودگرایی همراه بود؛ اما، افزایش متغیرهای سبک سهل‌گیرانه، عزت نفس و تاب‌آوری

مطابق با جدول ۷، نقش میانجی عزت نفس در رابطه دو سبک مقتدرانه و مستبدانه با پدیده وانمودگرایی تایید شد ($p < 0.05$)؛ اما، نقش میانجی عزت نفس در رابطه سبک سهل‌گیرانه و پدیده وانمودگرایی تایید نشد ($p > 0.05$). همچنین، نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه بین دو سبک مقتدرانه و مستبدانه با پدیده وانمودگرایی تایید شد ($p < 0.05$)؛ اما، نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه سبک سهل‌گیرانه و پدیده وانمودگرایی تایید نشد ($p > 0.05$). بررسی شدت اثر غیرمستقیم نشان داد که قوی‌ترین اثر غیرمستقیم بر پدیده وانمودگرایی مربوط به تاثیر سبک مستبدانه با واسطه عزت نفس با ضریب ۰/۱۶۱ و پس از آن، تاثیر سبک مقتدرانه با واسطه عزت نفس

به نفس بیشتر و توانایی بیشتر در تشخیص و به چالش کشیدن افکار وانمودگرایی می‌شود؛ در نهایت، احتمال تجربه پدیده وانمودگرایی را کاهش می‌دهد و ممکن است از ایجاد پدیده وانمودگرایی مقابله کند. به‌طور کلی، تاب‌آوری به‌عنوان یک عامل محافظ در برابر پدیده وانمودگرایی شناسایی شده است که افراد را قادر می‌سازد تا با چالش‌ها و شکست‌ها در زندگی حرفه‌ای و شخصی خود، بهتر برخورد کنند (خلیل و همکاران، ۲۰۲۴). در نهایت، این نتایج نشان می‌دهند که تاب‌آوری نه‌تنها به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی مثبت، بلکه به‌عنوان یک مکانیسم مقابله‌ای پیچیده عمل می‌کند که از افراد در برابر افکار خودتردیدی و احساس فریبکاری محافظت می‌کند. بنابراین، افراد با تاب‌آوری بالا، کمتر دچار تجربیات وانمودگرایی می‌شوند؛ زیرا، قادرند با پذیرش واقعیت‌ها و شایستگی‌های درونی خود، احساس خودکفایی و رضایت را تجربه کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تقویت تاب‌آوری می‌تواند به‌طور موثری از بروز پدیده وانمودگرایی پیشگیری کرده و در نتیجه، به سلامت روانی و عملکرد بهینه فرد در موقعیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای کمک کند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد سبک مستبدانه اثر مثبت معناداری بر پدیده وانمودگرایی دارد. این یافته با پژوهش‌های مالیک (۲۰۲۴)، یافی (۲۰۲۳)، وانت و کلیتمن (۲۰۰۶) و سوناک و تاول (۲۰۰۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین با سبک مستبدانه ممکن است کودک را به‌عنوان بازتابی از خودشان ببینند و برای جلوگیری از این احتمال که کودک ممکن است در چیزی شکست بخورد، پروژه‌ها و وظایفی را که کودک مسئول آن است را بر عهده می‌گیرند و کنترل بیش از حد بر اعمال فرزند خود دارند؛ در نتیجه، فرد نمی‌تواند حس خودمختاری را بر اساس توانایی‌های خود گسترش دهد و هنگام موفقیت احساس می‌کند که سزاوار تایید دیگران نیست، چون خودش آن را به دست نیاورده است (وانت و کلیتمن، ۲۰۰۶).

در واقع، سبک مستبدانه می‌تواند منجر به تضعیف حس خودمختاری کودک و احساس بی‌کفایتی در بزرگسالی شود؛ به‌طوری‌که، فرد در موقعیت‌های موفقیت، احساس می‌کند که لایق تایید دیگران نیست، چون این موفقیت‌ها را به‌طور واقعی از توانمندی‌های درونی خود به دست نیاورده است. به‌عبارت دیگر، سبک مستبدانه با نادیده‌گرفتن توانمندی‌های درونی کودک و کنترل بیش از حد، او را به‌سمت پذیرش تاثیر عوامل بیرونی در موفقیت وی سوق می‌دهد. بدین ترتیب، فرد بزرگسال در مواجهه با موفقیت‌ها نمی‌تواند آن‌ها را به شایستگی‌های خود نسبت دهد، بلکه احساس می‌کند که دیگران را فریب داده است.

همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سبک مستبدانه به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس بر پدیده وانمودگرایی

سبک مستبدانه نیز هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تاثیر داشت.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و پدیده وانمودگرایی دانش‌آموزان با واسطه‌گری عزت نفس و تاب‌آوری انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد عزت نفس تاثیر منفی معناداری بر پدیده وانمودگرایی دارد. این یافته با پژوهش‌های رضائی و تمنایی فر (۲۰۲۲)، ماسکارنهاس و همکاران (۲۰۱۹)، شوپرت و بوکر (۲۰۱۹)، کوکلی و همکاران (۲۰۱۸)، لیگی و همکاران (۲۰۱۷) و حدادی بهرام و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که از عزت نفس پایین رنج می‌برند، قادر به درونی‌کردن قابلیت‌ها، مهارت‌ها و دستاوردهای خود نیستند (ماسکارنهاس و همکاران، ۲۰۱۹). آن‌ها نسبت به تهدیدات عزت نفس خود آسیب‌پذیر هستند و مستعد بالا و پایین رفتن آن با تغییر شرایط هستند (شوپرت و بوکر، ۲۰۱۹). این افراد به‌دلیل برجسته‌بودن احساسات خودتردیدی و تعیین استانداردهای دست‌نیافتنی، مستعد ابتلا به پدیده وانمودگرایی هستند که با رشد عزت نفس، توانایی درونی‌کردن موفقیت‌ها در این افراد تقویت می‌شود و پدیده وانمودگرایی در آنان کاهش می‌یابد (رضائی و تمنایی فر، ۲۰۲۲).

این نتایج نشان می‌دهند که عزت نفس پایین به‌عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده، فرد را در معرض احساسات خودتردیدی و ترس از ارزیابی منفی قرار می‌دهد. افراد با عزت نفس پایین، به‌دلیل ناتوانی در نسبت‌دادن موفقیت‌های خود به توانمندی‌های درونی‌شان، احساس می‌کنند که تحت تاثیر عوامل بیرونی موفق شده‌اند و به‌نوعی دیگران را فریب داده‌اند که این احساس فریبکاری، ریشه اصلی پدیده وانمودگرایی است. با افزایش عزت نفس، این افراد قادر خواهند بود موفقیت‌ها و دستاوردهای خود را به توانمندی‌های درونی‌شان نسبت دهند و در نتیجه، در برابر پدیده وانمودگرایی محافظت خواهند شد.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد تاب‌آوری تاثیر منفی معناداری بر پدیده وانمودگرایی دارد. این یافته با پژوهش‌های خلیل و همکاران (۲۰۲۴)، کامارا و همکاران (۲۰۲۲) و خلعتبری (۲۰۱۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اذعان کرد که تاب‌آوری به‌معنای توانایی فرد برای مقابله با استرس و بازگشت از ناملایمات است و افراد با تاب‌آوری قوی‌تر، به راهبردهای مقابله‌ای موثر مانند مهارت‌های حل مسئله، حمایت اجتماعی و تفکر مثبت برای مدیریت استرس مجهز هستند که می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا احساس بی‌کفایتی و خودتردیدی را مدیریت کنند. انعطاف‌پذیری بالاتر در آن‌ها منجر به پرورش ویژگی‌های مثبتی مانند سازگاری، پشتکار و اعتماد

می‌شود، چرا که تاب‌آوری می‌تواند در شرایط مشابه به کاهش احتمال تجربه پدیده وانمودگرایی و احساس فریبکاری کمک کند.

افزون بر این، نتایج پژوهش بیانگر این بود که سبک مقتدرانه تاثیر مستقیم بر پدیده وانمودگرایی ندارد. این یافته با پژوهش‌های یافی (۲۰۲۳) و سوناک و تاول (۲۰۰۱) همسو و با پژوهش وانت و کلیتمن (۲۰۰۶) ناهمسو است. اما، سبک مقتدرانه به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری عزت نفس و تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی تاثیر داشت. در تبیین نقش میانجی عزت نفس در رابطه سبک مقتدرانه و پدیده وانمودگرایی می‌توان گفت که در سبک مقتدرانه، صمیمیت والدین با تایید مثبت همراه است که عزت نفس فرد را تقویت می‌کند. همچنین، تقاضای والدین از فرزندان موجب رشد شایستگی و موفقیت در جنبه‌های مهم زندگی آنان می‌شود که باز هم منابع عزت نفس هستند. به‌علاوه، الگوی رفتار گرم و حمایت‌کننده والدین ممکن است مهارت‌های اجتماعی آنان را ارتقاء دهد که می‌تواند روابط مثبت با دیگران را نیز ارتقاء دهد و منبعی برای عزت نفس فراهم کند. حمایت از خودمختاری فرزندان هم منجر به ارتقاء عزت نفس آنان می‌شود (پینکوارت و گرکه، ۲۰۱۹). عزت نفس بالا نیز منجر می‌شود افراد، موفقیت‌های خود را به توانایی‌های درونی خود مانند مهارت‌ها، هوش و شایستگی نسبت دهند و از درگیر شدن افراد به پدیده وانمودگرایی جلوگیری می‌کند (ماسکارنهاس و همکاران، ۲۰۱۹).

در نهایت، این یافته‌ها نشان می‌دهند که سبک مقتدرانه به‌طور غیرمستقیم می‌تواند از بروز پدیده وانمودگرایی جلوگیری کند. این سبک با تقویت عزت نفس و ارتقای شایستگی‌ها و خودمختاری در فرزندان، به آن‌ها کمک می‌کند تا موفقیت‌های خود را به توانمندی‌های درونی‌شان نسبت دهند و از این طریق، احساس فریبکاری و خودتردیدی را کاهش دهند. بنابراین، سبک مقتدرانه نه‌تنها موجب تقویت خودپنداره فرد می‌شود، بلکه در طولانی‌مدت از ظهور پدیده وانمودگرایی به‌عنوان یک پدیده روان‌شناختی منفی در افراد جلوگیری می‌کند.

در تبیین نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه سبک مقتدرانه و پدیده وانمودگرایی نیز می‌توان ادعان نمود که سبک مقتدرانه شامل گرمی و پاسخگویی است (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶). این سبک منجر به سازگاری عاطفی بهتر و حفظ سلامت روان در موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود. همچنین، صمیمیت و ارتباط والدین به مقابله بهتر با چالش‌های زندگی کمک می‌کند. علاوه بر این، پذیرش و مشارکت والدین با درگیر شدن در بحث و گوش‌دادن به نظرات نوجوانان، راه را برای توسعه تاب‌آوری هموار می‌کند (آتویر و همکاران، ۲۰۱۹). تاب‌آوری که توانایی مقابله با استرس و رشد در هنگام مواجهه با ناملایمات است، از فرد در برابر بسیاری از مشکلات سلامت روان

تاثیر دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوانانی که والدین آن‌ها با سبک مستبدانه برخورد می‌کنند، بسیار تحت کنترل والدین هستند و کنترل روان‌شناختی والدین منجر به احساس بیشتر اضطراب، افسردگی و دیدگاه ضعیف نسبت به خود می‌گردد. به‌علاوه، قرار گرفتن در معرض ماهیت طولانی‌مدت بی‌احترامی، طرد، انتقاد و محبت مشروط از سوی والدین، اعتماد به نفس و عزت نفس فرد را تضعیف می‌کند که این عزت نفس پایین می‌تواند بعدها در زندگی، در زمینه‌های مختلف اجتماعی تعمیم داده شود و فرد را درگیر پدیده وانمودگرایی کند (یافی، ۲۰۲۳). به‌طور کلی، سبک مستبدانه نه‌تنها به‌طور مستقیم بر پدیده وانمودگرایی فرد تاثیر می‌گذارد، بلکه با تضعیف عزت نفس، فرد را در معرض خطر ایجاد پدیده وانمودگرایی قرار می‌دهد؛ زیرا، او موفقیت‌های خود را به‌دلیل ناتوانی در پذیرش توانمندی‌های درونی‌اش، به عوامل بیرونی نسبت می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان داد سبک مستبدانه به‌طور غیرمستقیم با میانجی‌گری تاب‌آوری نیز بر پدیده وانمودگرایی تاثیر دارد. در تبیین این یافته می‌توان اشاره کرد که سبک مستبدانه شامل درجه پایینی از پاسخگویی و سطح بالایی از کنترل است. والدین با سبک مستبدانه اغلب سرد، بی‌حمایت و بی‌احساس نسبت به نیازهای فرزندان خود هستند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۶). این والدین، غالباً استانداردهای بالایی دارند و به فرزندان خود، حمایت عاطفی و استقلال لازم برای رشد تاب‌آوری را نمی‌دهند (شنگ یائو و همکاران، ۲۰۲۴). بدین ترتیب، سطوح پایین‌تر تاب‌آوری در این افراد منجر به انعطاف‌پذیری پایین و سطوح بالاتر پدیده وانمودگرایی می‌شود (خلیل و همکاران، ۲۰۲۴). این نتایج نشان می‌دهند که سبک مستبدانه می‌تواند از طریق تاثیر بر تاب‌آوری فرد، به افزایش احتمال ابتلا به پدیده وانمودگرایی منجر شود.

والدین با سبک مستبدانه با کنترل بیش از حد و عدم پاسخگویی به نیازهای عاطفی فرزندان، فضایی را ایجاد می‌کنند که در آن فرزند نمی‌تواند مهارت‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری لازم برای مدیریت استرس‌های زندگی را به‌طور موثر پرورش دهد. این کمبود تاب‌آوری که شامل ناتوانی در مواجهه با چالش‌ها و انعطاف‌پذیری پایین است، موجب می‌شود که فرد در مواجهه با موفقیت‌ها، احساس ناتوانی و فریبکاری کند و موفقیت‌های خود را به عوامل بیرونی نسبت دهد. به‌عبارت دیگر، والدین با سبک مستبدانه با عدم فراهم‌آوری محیط حمایتی، موجب ایجاد فضاهایی می‌شوند که در آن فرزند از رشد و تقویت تاب‌آوری شخصی محروم می‌ماند و این خود موجب می‌شود که فرد بیشتر در معرض احساسات خودتردیدی و پدیده وانمودگرایی قرار گیرد. بنابراین، تاثیر غیرمستقیم تاب‌آوری بر پدیده وانمودگرایی در این پژوهش به‌عنوان یک عامل محافظ در برابر این پدیده شناخته

وانمودگرایی در نوجوانان را نشان دهد و تفاوت نتایج با پیشینه می‌تواند به دلیل تفاوت در ابزار مورد استفاده برای بررسی سبک‌های فرزندپروری باشد.

در خصوص تاثیرات عزت نفس و تاب‌آوری، انتظار می‌رفت که این دو متغیر نقش میانجی مهمی را در رابطه با سبک سهل‌گیرانه و پدیده وانمودگرایی ایفا کنند. اما، نتایج پژوهش نشان داد که این تاثیرات به‌طور مستقیم و معنادار در رابطه میان سبک سهل‌گیرانه و پدیده وانمودگرایی نقش ندارند. این نکته ممکن است به این دلیل باشد که سبک سهل‌گیرانه بیشتر بر ایجاد حس خودمختاری و پذیرش فردی تاثیر می‌گذارد، تا بر توسعه ویژگی‌های روان‌شناختی دیگر مانند تاب‌آوری. به عبارت دیگر، کودکان پرورش‌یافته در محیط‌های سهل‌گیرانه، ممکن است به‌طور مستقیم احساس راحتی و پذیرش در خود داشته باشند؛ اما، این احساسات لزوماً به تاب‌آوری و عزت نفس مستحکم تبدیل نمی‌شوند.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بود. به‌عنوان مثال، در این پژوهش تنها از پرسشنامه خودگزارشی استفاده شد و از روش‌های دیگری مانند مصاحبه استفاده نشد. ممکن است پاسخ دانش‌آموزان با پاسخ‌های واقعی آن‌ها فاصله داشته باشد. تعمیم‌پذیری نتایج به جمعیت‌ها و مناطق دیگر باید با احتیاط صورت بگیرد. همچنین، طراحی مقطعی مطالعه، امکان تعیین علت و معلول را نمی‌دهد. جهت‌گیری فرهنگی، جنسیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و ... که در پژوهش‌های مختلف نتایج متناقضی در خصوص شیوع پدیده وانمودگرایی وجود دارد، کنترل و مورد بررسی قرار نگرفته است.

نوجوانی دوره حساسی برای رشد روانی است و در جامعه امروزی، محیط اجتماعی پیش روی نوجوانان به‌طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود و مشکلات روانی تشدید می‌شوند؛ بنابراین، راهنمایی والدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود به والدین در خصوص پدیده وانمودگرایی و مشکلات ناشی از آن آگاهی‌بخشی کرد. همچنین، آموزش شیوه مناسب فرزندپروری و ارائه راهکارهایی برای تقویت عزت نفس و تاب‌آوری مفید خواهد بود. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده مطالعات پیشگیرانه‌ای از نتایج این مطالعه بر کاهش پدیده وانمودگرایی صورت بگیرد.

مانند فرسودگی شغلی، افسردگی و پدیده وانمودگرایی به‌عنوان محافظ عمل می‌کند (کامارا و همکاران، ۲۰۲۲).

در نهایت، این یافته‌ها نشان می‌دهند که تاب‌آوری به‌عنوان یک میانجی در رابطه با سبک مقتدرانه و پدیده وانمودگرایی عمل می‌کند. به‌عبارت دیگر، والدین با سبک مقتدرانه از طریق فراهم‌آوردن محیطی حمایت‌گر و عاطفی، نه تنها تاب‌آوری فرزند خود را تقویت می‌کنند، بلکه از این طریق احتمال ابتلا به پدیده وانمودگرایی را کاهش می‌دهند. به‌طور خاص، تاب‌آوری بالا به فرزند کمک می‌کند تا با استرس‌ها و فشارهای زندگی به‌طور موثرتری مقابله کند که این خود موجب کاهش احتمال فریبکاری در احساسات موفقیت می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که تاب‌آوری به‌عنوان یک محافظ روان‌شناختی، از طریق تاثیر مثبت سبک مقتدرانه، فرد را در برابر تجربه‌های منفی مانند پدیده وانمودگرایی ایمن می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که والدین با سبک مقتدرانه با تقویت تاب‌آوری در فرزندان، به‌طور غیرمستقیم به کاهش احتمال بروز پدیده وانمودگرایی کمک می‌کنند و به فرد این قدرت را می‌دهند که موفقیت‌های خود را به شایستگی‌های درونی خود نسبت دهد.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که سبک سهل‌گیرانه تاثیر منفی معناداری بر پدیده وانمودگرایی دارد. این یافته با پژوهش سوناک و تاول (۲۰۰۱) ناهمسو است. بنا به پیشینه، انتظار می‌رفت که اشتغال و درگیری والد با فرزند تاثیر معناداری بر پدیده وانمودگرایی نداشته باشد؛ اما، در پژوهش حاضر یافته‌ها نشانگر تاثیر سبک سهل‌گیرانه بر کاهش پدیده وانمودگرایی بودند. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک سهل‌گیرانه با ترکیبی از کنترل کم و گرمی زیاد تعریف شده است. والدینی که از این سبک استفاده می‌کنند، اغلب به فرزندان خود استقلال می‌دهند و در عین حال، حمایت عاطفی قابل‌توجهی از آن‌ها ارائه می‌دهند (پینکوارت و گرکه، ۲۰۱۹). این ممکن است به فرزند کمک کند که احساسات منفی، مانند ترس از شکست یا احساس تقلبی‌بودن را کاهش دهد. فرزندان که تحت این سبک تربیتی رشد می‌کنند، ممکن است احساس کنند که جایگاه آن‌ها در جامعه بر اساس شایستگی‌های واقعی‌شان است، نه انتظارات سخت‌گیرانه و بی‌رحمانه‌ای که در سبک‌های دیگر وجود دارد. این یافته می‌تواند اهمیت کنترل و درگیری شدید والدین با فرزندان بر ایجاد پدیده

قدردانی: از تمام شرکت‌کنندگان در پژوهش و تمامی افرادی که در این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

حامی مالی: این مقاله حامی مالی نداشته است.

Reference

Aboutalebi Ahmadi, T. (2012). The Interrelationship of Parenting Styles, Self-

Esteem, and Students' Mental Health. *Family and Research*, 9(3), 71-88.

- Almanasef, M., Bajis, D., Al-Haqan, A., Alnahar, S., & Bates, I. (2024). Assessing the psychometric properties of Connor-Davidson Resilience Scale 25 (CD-RISC 25) in pharmacy students and academics in the Eastern Mediterranean Region. *Exploratory Research in Clinical and Social Pharmacy*, 21(16), 10051516. <https://doi.org/10.1016/j.rcsop.2024.100515>
- Anwer, G., Masood, S., Younas, S., & Ahmad, M. (2019). Parental rearing practices as predictors of resilience and emotional intelligence among young adults. *Foundation University Journal of Psychology*, 3(2), 1-38. <https://doi.org/10.33897/fujp.v3i2.17>
- Aremu, T. A., John-Akinola, Y. O., & Desmenu, A. T. (2019). Relationship between parenting styles and adolescents' self-esteem. *International quarterly of community health education*, 39(2), 91-99. <https://doi.org/10.1177/0272684X18811023>
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental psychology*, 4(1), 1-103. <https://doi.org/10.1037/h0030372>
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, 57(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13
- Camara, G. F., Santiago Campos, I. F., Carneiro, A. G., Sena Silva, I. N., Barros Silva, P. G., Peixoto, R. A. C., ... & Peixoto, A. A. (2022). Relationship between resilience and the impostor phenomenon among undergraduate medical students. *Journal of Medical Education and Curricular Development*, 9, 1-5. <https://doi.org/10.1177/23821205221096105>
- Clance, P. R. (1985). *Clance Impostor Phenomenon Scale (CIPS)*. APA PsycTests. <https://doi.org/10.1037/t11274-000>
- Clance, P. R., & Imes, S. A. (1978). The impostor phenomenon in high achieving women: Dynamics and therapeutic intervention. *Psychotherapy: Theory, research & practice*, 15(3), 241-247. <https://doi.org/10.1037/h0086006>
- Cohen, J. (1988). *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*, 2nd Edition. Hillsdale, NJ: Lawrence Earlbaum Associates.
- <https://doi.org/10.4324/9780203771587>
- Cokley, K., Stone, S., Krueger, N., Bailey, M., Garba, R., & Hurst, A. (2018). Self-esteem as a mediator of the link between perfectionism and the impostor phenomenon. *Personality and Individual Differences*, 135, 292-297. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.07.032>
- Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, 18(2), 76-82. <https://doi.org/10.1002/da.10113>
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). Conceptualizations of intrinsic motivation and self-determination. In *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior* (pp. 11-40). Boston, MA: Springer US. https://doi.org/10.1007/978-1-4899-2271-7_2
- Dehnad, V. (2021). The theory of self-determination and its link to the theory of goal setting. *Rooyesh*, 10(3), 171-182. [In Persian]
- Esfandiyari, G. (1995). *Comparison of mothers' parenting styles in two groups of children with behavior disorder, and the effect of mother training on reducing behavioral problems* [Master's thesis, Tehran Psychiatric Research Institute, Tehran, Iran].
- Falahzadeh, H., Reza Pourfaridian, R., & Mostafa, V. (2018). Prediction of dimensions of caregiving among married men based on components of emotional intelligence with the mediating role of self-esteem. *Contemporary Psychology*, 13(2), 109-120. [In Persian]
- Firoze, H., & Sathar, K. P. (2018). Impact of parenting styles on adolescent resilience. *Indian Journal of Health & Wellbeing*, 9(7), 937.
- Goodarzi, M., Shahbazi, M., Sodani, M., & Piriaei, H. (2023). The effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on anxiety and resilience in boy students with mobile phone addiction. *Rooyesh*, 12(10), 79-88. [In Persian]
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1997). Internalization within the family: The self-determination theory perspective. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), *Parenting and children's internalization of values* (pp. 135-161). Wiley.

- Guay, F. (2022). Applying self-determination theory to education: Regulation types, psychological needs, and autonomy supporting behaviors. *Canadian Journal of School Psychology, 37*(1), 75-92. <https://doi.org/10.1177/08295735211055355>
- Haddadi Bahram, A., Khalatbari, J., & Ghorban Shiroudi, Sh. (2011). The study of relationship between emotional intelligence and self-esteem with imposter syndrome. *Journal of Fundamentals of Mental Health, 13*(49), 30-41. <https://doi.org/10.22038/JFMH.2011.1023> [In Persian]
- Haghighi, A. H., & Ghorbali, A. (2022). The Relationship between Academic Self-Concept and Academic Self-Efficacy in College Students: The Mediating Role of Imposter Syndrome. *Contemporary Psychology, 17*(2), 7-20. [In Persian]
- Hajazi, E., Saleh Najafi, M., & Amani, J. (2014). The Mediating Role of Intrinsic Motivation in the Relationship Between Basic Psychological Needs and Life Satisfaction. *Contemporary Psychology, 9*(2), 77-88. [In Persian]
- Holmes, S. W., Kertay, L., Adamson, L. B., Holland, C. L., & Clance, P. R. (1993). Measuring the impostor phenomenon: A comparison of Clance's IP Scale and Harvey's IP Scale. *Journal of personality assessment, 60*(1), 48-59. <https://doi.org/10.1207/s15327752jpa60013>
- Jadon, P. S., & Tripathi, S. (2017). Effect of authoritarian parenting style on self esteem of the child: A systematic review. *International Journal of Advance Research and Innovative Ideas in Education, 3*(3), 909-913.
- Javdan, M., Rastegarikia, T., & Aji Ramkani, I. (2021). Predicting Resilience Based on Psychological WellBeing and Personal Values with the Mediating role of Life Meaning in College Students. *Contemporary Psychology, 16*(1), 145-158. [In Persian]
- Jones, E. E., & Berglas, S. (1978). Control of attributions about the self through self-handicapping strategies: The appeal of alcohol and the role of underachievement. *Personality and social psychology bulletin, 4*(2), 200-206. <https://doi.org/10.1177/014616727800400205>
- Joushanlou, M., & Ghaedi, G. (2008). A re-examination of the reliability and validity of the Rosenberg Self-Esteem Scale in Iran. *Daneshvar Behavioral Shahed University, 15*(31), 49-56. [In Persian]
- Kamarzarrin, H., Khaledian, M., Shoostari, M., Yousefi, E., & Ahrami, R. (2013). A study of the relationship between self-esteem and the imposter phenomenon in the physicians of Rasht city. *Eur J Exp Biol, 3*(2), 363-366.
- Khalatbari, J. (2014). The Assessment of the Relationship Between Resiliency and Hardiness with Imposter Syndrome. *Journal of Educational Psychology, 5*(3), 22-32. [In Persian]
- Khalil, A. I., Alharbi, R., Al Qtame, H., Al Bena, R., & Khan, M. A. (2024). Investigating the association between resilience and impostor syndrome in undergraduate nursing and medical students: A cross-sectional study. *Journal of Medicine and Life, 17*(9), 868-879. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-3242676/v1>
- Kristoffersson, E., Boman, J., & Bitar, A. (2024). Impostor phenomenon and its association with resilience in medical education—a questionnaire study among Swedish medical students. *BMC Medical Education, 24*(1), 1-10. <https://doi.org/10.1186/s12909-024-05788-2>
- Kurniasari, R. F., & Huwae, A. (2024). Parenting Style and Resilience among Homosexual in Indonesia. *Journal La Sociale, 5*(3), 785-798. <https://doi.org/10.37899/journal-la-sociale.v5i3.1182>
- Langford, J., & Clance, P. R. (1993). The impostor phenomenon: Recent research findings regarding dynamics, personality and family patterns and their implications for treatment. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training, 30*(3), 495-501. <https://doi.org/10.1037/0033-3204.30.3.495>
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping* (Vol. 445). Springer.
- Lige, Q. M., Peteet, B. J., & Brown, C. M. (2017). Racial identity, self-esteem, and the impostor phenomenon among African American college students. *Journal of Black Psychology, 43*(4), 345-357. <https://doi.org/10.1177/0095798416648787>

- Malik, S. (2024). Relationship between Impostorism, Parenting style and self-esteem. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(6), 571-578. <https://doi.org/10.53555/kuey.v30i6.5265>
- Mascarenhas, V. R., D'Souza, D., & Bicholkar, A. (2019). Prevalence of impostor phenomenon and its association with self-esteem among medical interns in Goa, India. *International journal of community medicine and public health*, 6(1), 355-359. <https://doi.org/10.18203/2394-6040.ijcmph20185272>
- Mehrabizadeh Honarmand, M., Bassaknejad, S., Shehni Yailagh, M., Shokrkon, H., & Haghigi, J. (2005). A Study of Simple and Multiple Relationships of Fear of Success, Self-esteem, Perfectionism and Fear of Negative Evaluation with Imposter Syndrome in Graduate Students of Shahid Chamran University. *Psychological Achievements*, 12(3), 1-24. <https://doi.org/10.22055/psy.2005.16353> [In Persian]
- Ménard, A. D., & Chittle, L. (2023). The impostor phenomenon in post-secondary students: A review of literature. *Review of Education*, 11(2), e3399. <https://doi.org/10.1002/rev3.3399>
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2012). *Applied Multivariate Research (Design and Interpretation)*. Translated by Pasha Sharifi, H., et al. Roshd. [In Persian]
- Minaei, A., & Nikzad, S. (2017). Factor structure and validity of the Persian version of the Bamrind Parenting Styles Questionnaire. *Family Studies*, 13(49), 92-108. [In Persian]
- Mohammadi, N. (2005). Preliminary study of the validity and reliability of the Rosenberg Self-Esteem Scale. *Developmental Psychology (Iranian Psychologists)*, 1(4), 313-320. [In Persian]
- Nadkarni, M. R., & Vyas, M. K. (2023). Relationship between Perceived Parenting Styles and Resilience: Self-Esteem as a Mediator. *International Journal of Indian Psychology*, 11(4), 787-796. <https://doi.org/10.25215/1104.071>
- Nápoles, J., Springer, D. G., Silvey, B. A., Montemayor, M., & Rinn, T. J. (2024). Burnout and impostor phenomenon among undergraduate music education majors. *Journal of Research in Music Education*, 72(3), 229-246. <https://doi.org/10.1177/00224294231207267>
- Naser, M. J., Hasan, N. E., Zainaldeen, M. H., Zaidi, A., Mohamed, Y. M. A. M. H., & Fredericks, S. (2022). Impostor phenomenon and its relationship to self-esteem among students at an international medical college in the middle east: A cross-sectional study. *Frontiers in medicine*, 4(9), 850434. <https://doi.org/10.3389/fmed.2022.850434>
- Nesrin, A. M. (2018). Perceived parenting styles and development of resilience in higher secondary school students. *International Journal of Research in Economics and Social Sciences*, 8(9), 1-5.
- Neufeld, A., Babenko, O., Lai, H., Svrcek, C., & Malin, G. (2023). Why do we feel like we are intellectual fraud? A self-determination theory perspective on the impostor phenomenon in medical students. *Teaching and Learning in Medicine*, 35(2), 180-192. <https://doi.org/10.1080/10401334.2022.2056741>
- Pinquart, M., & Gerke, D. C. (2019). Associations of parenting styles with self-esteem in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Child and Family Studies*, 28(8), 2017-2035. <https://doi.org/10.1007/s10826-019-01417-5>
- Rezaei, A., Qanati, M., & Taghvaei, D. (2022). Predicting social phobia based on quality of life and parenting styles of students. *Quarterly os social work and social wellbeing*, 1(3), 23-39. [In Persian]
- Rezaei, N., & Tamannaefifar, M. (2022). Relationship between Attachment Styles and Students' Impostorism with the mediation of Self-Esteem and Moderating of Self-compassion. *Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning*, 10(18), 299-325. <https://doi.org/10.22084/j.psychogy.2022.25049.2377> [In Persian]
- Rosenberg, M. (1965). Rosenberg self-esteem scale (RSE). Acceptance and commitment therapy. *Measures package*, 61(52), 18. <https://doi.org/10.1037/t01038-000>
- Ryan, R. M., Duineveld, J. J., Di Domenico, S. I., Ryan, W. S., Steward, B. A., & Bradshaw, E. L. (2022). We know this much is (meta-analytically) true: A meta-review of meta-analytic findings evaluating self-

- determination theory. *Psychological Bulletin*, 148(11-12), 813-842. <https://doi.org/10.1037/bul0000385>
- Schubert, N., & Bowker, A. (2019). Examining the impostor phenomenon in relation to self-esteem level and self-esteem instability. *Current Psychology*, 38(3), 749-755. <https://doi.org/10.1007/s12144-017-9650-4>
- Shabani, A., & Bagheri, N. (2024). Predicting high-risk behaviors based on parenting styles and identity styles in adolescents. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 8(56), 281-293. [In Persian]
- Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Minqin, C., Xuefen, L., & Mustafa, Z. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: The role of parenting style. *Scientific Reports*, 14(1), 1-14. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-55530-7>
- Shojaimehr, P., Momeni, K., & Karami, J. (2020). The relationship between mental security, social support and resiliency with post traumatic stress disorder (PTSD). *Journal of Psychology*, 24(2), 184-199. [In Persian]
- Sonnak, C., & Towell, T. (2001). The impostor phenomenon in British university students: Relationships between self-esteem, mental health, parental rearing style and socioeconomic status. *Personality and individual differences*, 31(6), 863-874. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(00\)00184-7](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00184-7)
- Vahedi, S., Mohammadinejad, M., Salari, M., Abbasian Mehr, P., Taherzadeh, M., & Ghadiri, A. (2023). Comparison of self-esteem with temperament type in male non-athletic students living in dormitories at Ferdowsi University of Mashhad. *Quarterly Journal of Complementary Medicine*, 13(2), 33-40. [In Persian]
- Want, J., & Kleitman, S. (2006). Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting styles and self-confidence. *Personality and individual differences*, 40(5), 961-971. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.10.005>
- Yaffe, Y. (2021). Students' recollections of parenting styles and impostor phenomenon: The mediating role of social anxiety. *Personality and Individual Differences*, 172, 110598. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110598>
- Yaffe, Y. (2023a). Maternal and paternal authoritarian parenting and adolescents' impostor feelings: The mediating role of parental psychological control and the moderating role of child's gender. *Children*, 10(2), 308. <https://doi.org/10.3390/children10020308>
- Yaffe, Y. (2023b). The association between familial and parental factors and the impostor phenomenon—A systematic review. *The American Journal of Family Therapy*, 51(5), 527-545. <https://doi.org/10.1080/01926187.2021.2019140>
- Zarifi, M., Honari, H., & Bahrololom, H. (2016). Psychometrics Properties and Normalization of Persian Version of Resiliency Questionnaire Among Athletes and Non-athletes Students. *Sport Psychology Studies*, 5(15), 131-150. <https://doi.org/10.22089/spsyj.2016.604> [In Persian]
- Zhong, X., Wu, D., Nie, X., Xia, J., Li, M., Lei, F., ... & Mahendran, R. (2016). Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. *BMC geriatrics*, 16(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s12877-016-0308-0>